

دین بکن ظالم است از ظلم و انقیاد او در آنچه شستی  
 باشد بطریق نذرت و بعضی مرد و طرف عدالت را  
 میخوانند چه آن ظلم است یا بر نفس خود یا بر غیر خود  
 عدالت جامع جمیع کمالات است ظلم که مقابل اوست  
 جامع جمیع نقایض است و از اینجا است که تسبیح  
 عبدالله انصاری و غیره از محققان گفته اند که هر چه  
 بکنند چه کس ظلم است یا بر نفس خود یا بر دیگری  
 اگر بگفته اند اهل طریقت در اکثر چیزها اختلاف کرده اند  
 اما عمیق اند و در استحسان راحت رسانیدن و نسی  
 از آنرا کردن مباحش در پی از آن هر چه خواهی کن  
 که در شریعت ما غیر از این کنایه نیست و در حدیث  
 صحیح است که حسناات ظالم منتقل بر یوان اعمال ظلم  
 میشود و چنانچه مضمون آیه کریمه در مظلومان و لکن کافران  
 انفسهم یظلمون بیان مشعر است و بعین قیاس

در اول

در انواع که در تحت اجناس فضایل اند اعتبار باید نمود  
 در میان شرف عدالت اولاد بر سبب رسید  
 نموده میشود که با تفاق عقل و نقل حقیقت تقدیر حضرت محمد  
 جل و علا از احاطت انعام و او نام تعالیست طایر بلند  
 او را که در راه بر ادق که جلال او نیست بلکه غایب  
 عقول بشری و نهایت عروج توت نظری است که باز  
 یال نسب و اعتبارات که هم با عمت با تعلق بر کلمات  
 ذات قدس را توان بود تشبیه شود کشف غلطی  
 زمانشان توان یافت از ما تو را آنچه دین باید است  
 و اول مرانی که وجه قدیم غیب ذاتی در آن بر دیده شود  
 اهل کشف و عیان چون نماید وحدت است و وحدتی که در تقابل  
 کز نیست که آن خلق از اطفال اوست و زو جدی که سبب  
 در حد است که آن بر توی از انوار خورشید جمال بی  
 اوست بل وحدتی که اگر بشنود حال بر فروز و فرود اشعه